

یک عمر کنکور بود و روز اعلام نتایجش در پیک سنجش سپاه و سفید با آن عکس های نفرت برتر که مایه غیظه همگان بودند و بعد هم صفحه پشت صفحه از قطار آسمانی داوطلبانی که توانسته بودند از سد کنکور بگذرند و رقبا را کنار بزنند. سال های سال تصویر کنکور سراسری این چنین بود و حتی بااین که به آن غول می گفتند و از شکستن شاخش حرف می زدند بازهم کنکور اتفاق پرهیبتی بود. امسال ولی یک مصوبه توفان به پا کرد و همه دار و ندار کنکور سنتی را جارو کرد و به دست باد داد. کنکور با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی دوشقه شد و به تعبیر اهل فن، قرار شد دوبار در سال برگزار شود تا هر داوطلبی که بهترین نمره را در یکی از این دو کنکور کسب کند بر همان اساس رشته و دانشگاهش را انتخاب نماید. نتایج اولین کنکور تاریخ کشور که به این سبک برگزار شد مدتی است اعلام شده اما نه کسی نفرت برترش را می شناسد نه کمتر کسی از مردم عادی باخبر است که کارنامه ها اعلام شده است. شاید به یک تعبیر کنکور بی مزه شده باشد ولی این نوع برگزاری آزمون محسناتی هم دارد که نباید روی شان چشم بست اما یکی از ایرادات هنوز باقی است که البته داوطلبان کنکور و برخی از نماینده های مجلس به آن ایراد می گیرند و آن سهم ۴۰ درصدی سوابق تحصیلی در کنکور و تاثیر شاگرد درسخوان بودن در قبولی دانشگاه است که به زعم عده ای نادانلاده است چون همه بچه های ایران به یک اندازه فرصت بهره مندی از آموزش های باکیفیت را به دست نمی آورند.

از هوای شهرهای بزرگ ایران برای تان نگوییم که امسال سم مجسم بود؛ تهران هم سرآمدش. مردم پایتخت امسال در برخی از روزهای پاییز و زمستان کم مانده بود خفه شوند از بس که هوا آلوده بود. مگر تنفس ۳۴ روز هوای ناسالم، دو روز هوای بسیار ناسالم و دو روز هوای خطرناک کار آسانی است که ما نتajمش دادیم. بعد هم فقط سه روز هوای پاک به ریه ها کشیدیم که نتوانست آن همه کثافات را بشوید و ببرد. دیگر اندازه اش از دست مان در رفته که در سال ۱۴۰۱ ما رسانه ها چقدر دراین باره نوشتیم و چقدر مطالبه کردیم که ای مسئولان، ما که قانون هوای پاک داریم چرا نباید هوای پاک تنفس کنیم. می داند یا سخ چه بود؟ این که ما قانون داریم ولی برای اجرای صد ها تکلیف ریز و درشت مندرج در این قانون باید پول داشت که هیچ پولی برای اجرای قانون در بودجه های سالانه پیش بینی نمی شود. این دیگر طنز روزگار بود که برملا شد، شاید هم همین تلخی و تناقض و البته مانور خوب رسانه ها روی موضوع بی پولی قانونی که بدون پول راه به جایی نمی برد جور را اندکی تکان داد و بودجه نویسان سال ۱۴۰۲ را به خودشان آورد. حالا ما سالی در پیش داریم که اجرای قانون هوای پاک که قاعدا تا باید از تعداد روزهای ناپاک سال بکاهد و به تعداد روزهای پاک بیفزاید، بودجه ای دارد که رقمش ۱۵۸۰ میلیارد تومان است. گرچه با این میزان بودجه نمی توان سحر و جادو کرد و همه کاستی های تلنبارشده در سال های اخیر را یکدفعه از سر راه برداشت اما حتما با آن کارهای مهمی هم می توان انجام داد به این شرط که همه مبلغ تخصیص یابد و این بودجه در جای درستش خرج شود.

بارندگی هادر چندماه آخر سال کمی وضعیت کشور را تغییر داد. بارش های امسال در نیمه جنوبی کشور بالاتر از حد نرمال بوده اما در نیمه شمالی همچنان با حد نرمال فاصله معناداری داریم. با وجود این، بارش های اخیر می تواند همه را دلگرم کند؛ دلگرم به این که در ماه های پربارش سال یعنی اسفند و فروردین، آسمان دست و دلپا نه ببارد و دوسال خشکسالی بیابانی را جبران کند. به گفته رئیس مرکز خشکسالی کشور، گرمایی را که امسال پشت سر گذاشتیم در ۴۰ سال گذشته بی سابقه بوده است. تقریبا بسیاری از نقاط کشور با خشکسالی شدید مواجه شد. ضمن این که در ۲۰ سال گذشته تعداد خشکسالی ها به مراتب بیشتر از تسالی ها بود. در ۵۰ سال گذشته درصد قابل توجهی از بارش ها از دست دادیم ضمن این که افزایش دمای جهانی را نیز داشتیم. بخشی از خشکسالی در کشور ناشی از تغییرات طبیعی و بخش دیگر ناشی از فعالیت انسانی است. فعالیت انسانی شامل جنگل زدایی، سدسازی، انحراف و انتقال آب از یک منطقه به منطقه دیگر و... می شود. دامنه خشکسالی و کمبود آب در برخی مناطق به آب شرب هم کشیده شد و در برخی مناطق برای تامین آب آشامیدنی یا آب کشاورزی با مشکل روبه رو شدیم و مردم در برخی شهرها مجبور شدند برای تامین آب شرب سراغ چاه های کشاورزی بروند. پدیده خشکسالی موجب کاهش سریع جریان های سطحی، افت مخازن زیرزمینی، فرسایش آبی، بادی و خاکی، تغییر کیفیت منابع آب و خاک و افزایش بهره برداری از آب های زیرزمینی و فرونشست زمین می شود و از این رو ارزیابی خشکسالی و دوره های آن برای کاهش اثرات و مدیریت خطرات این پدیده ضروری است.

درست است که همه ما از خرد و کلان، روزهای قرمز تقویم را دوست می داریم و حس خوبی به آنها داریم اما تعطیلاتی که در زمستان امسال روی برگ تقویم، قرمز نبود ولی به ناچار قرمز شد، کتر همه را درآورد. اگر یادتان باشد روزهایی از آذر و دی ماهی که گذشت هوادر برخی نقاط کشور حسایی سرد شد، در بعضی جاها هم که این سرمای ک سرمای خشک و بدون بارش بود، باعث وارونگی هوا شد و یک لایه ضخیم از آلودگی مثل کلاهی روج روی سر برخی شهرهای بزرگ ایستاد. از آنجا که کودکان جزواقشار آسیب پذیر جامعه هستند و دیوار مدارس هم همیشه دیواری کوتاه بوده و هست، مدارس روزها و روزها مثل یک سریال خسته کننده تعطیل شدند و آموزش ها دوباره مجازی شد. کار به قدری بالا گرفت که دیگر حتی بچه ها هم نمی خواستند تعطیل باشند و دل شان می خواست به مدرسه بروند، از اولیا هم نگوییم که علاوه بر سختی درگیر شدن با درس بچه ها در خانه باید جوش هزینه های پرداخت شده و خدمات دریافت نکرده را هم می خوردند. درست در آن روزها بود که بحث اصلاح تقویم آموزشی بار دیگر مهم جلوه کرد چون اگر تقویم انعطاف داشت، بچه های شهرهای آلوده یا بچه زده از سرما، راحت تعطیل می شدند و در عوض وقتی اوضاع بسامان می شد به تعداد روزهای تعطیل به روزهای آموزشی شان افزوده می شد. به هر حال آنچه که امسال آلودگی و سرمای هوا به نظام آموزش و پرورش ما دیکته کرد، می تواند درس عبرتی برای سال های بعد باشد تا آن کلافگی ها و تلاکلفی ها دوباره تکرار نشود. متوالبان اجرای قانون هوای پاک هم که از سال ۱۴۰۲ بودجه در اختیار دارند، دیگر باید دنبال راهکارهای ریشه ای باشند نه راه های دم دستی مثل تعطیل کردن مهدهای کودک پیش دبستانی ها و مدارس.

۱۲ اسفند

۱۵ اسفند

۱۷ اسفند

۱۷ اسفند

روپای سبز شدن ایران

افتتاح کلان بیمارستان هوشمند

افتتاح مجهزترین مرکز جامع سرطان

صمیمی با مرد سیاست و بهداشت

چرا باز نشسته نمی شوید؟

تا هر زمانی که فکر کنیم می توانم خدمتی انجام دهم حتما به کار ادامه می دهم حتی تا لحظه مرگ. حضرت آقا حتی به من گفتند که فرهنگستان مگر چقدر کار دارد، قسمتی از آنها را بسیار به قائم مقام و به خودت برس. ولی خودم را مثل رزمنده های می بینم که در میدان جنگ مأموریت هایش را طور دیگری می بیند. حالا فرض کنید رفتم در خانه هم ننشستم، شاید چند روزی بیشتر عمر کنم و چند باری بیشتر قرمه سبزی بخورم. مگر جز اینها اتفاق دیگری هم می افتد؟

عید مسافرت می روید؟

نه چون او لا ماه رمضان است و دوم این که به خاطر وضعیت جسمانی ام باید غذاهای بی نمک بخورم که در سفر مقدور نیست. چند روز قبل که به قم سفری کردم دردهای قلبی و تنگی نفسم زیاد شد.

آخرین باری که به یک بیمارستان دولتی رفتید، کی بود؟

همیشه به بیمارستان دولتی می روم و چند باری در بیمارستان قلب بستری شده ام. هر چند ماه یک بار هم مجبورم نوار قلب و اکو کاردیوگرافی کنم تا ببینند اگر وضعیت عروق قلبم بدتر شده، داروها را عوض کنند. آخرین باری هم که به بیمارستان رفتم، سه چهار هفته قبل بود.

زمانی که وزیر بهداشت بودید هم بستری شدید؟

بله و اتفاقا هیچ تاجی هم به سرم نزنیدن. یک گانی به من دادند که سوراخ سوراخ بود و خجالت می کشیدم. چون من وزیر بودم و می دانستم وضع اقتصادی خیلی بد است و قادر نبودم امکانات بهتری فراهم کنم.

یعنی از رانت آقای دکتر مرندی استفاده نکردید؟

اگر می خواستم استفاده کنم هم نمی شد، چون امکانات نبود. ضمن این که خداوند

در دوره وزارت و مدیریت تان آیا کاری کرده اید که از آن پشیمان شوید؟

نه من از کاری پشیمان نیستم اما عده ای معدود معتقدند که باید برای بحث کنترل جمعیت پشیمان باشم در حالی که اگر کسی بفهمد این بزرگترین خدمت به کشور بود، چون آن زمان جنگ بود و اقلام کوپنی میان مردم توزیع می شد و اگر این کوپن هان بود، خیلی ها از گرسنگی می مردند. آن زمان می دانستیم که جمعیت هر ۱۷/۵ سال دو برابر می شود ولی ما امکانات لازم را برای تامین نیازهای چنین جمعیتی نداریم. وزیر برنامه و بودجه هم آن زمان اعلام کرد که ما دیگر نه پول برای ادامه جنگ داریم و نه پولی برای مردم لذا برای مسئولان آن زمان علت نیاز به کنترل جمعیت را تبیین کردم. حتی با آیت ا... خامنه ای هم صحبت کردم که ابتدا ناراحت شدند اما به من گفتند هر کاری می کنی بدون مشورت روحانیون انجام نده و کاری نکن که شعار دو بچه کافی است زمان شاه زنده شود. مدت ها بعد وقتی که ایشان درباره جمعیت صحبت کردند، دو سه بار تاکید داشتند که کنترل جمعیت در زمان خودش کار درستی بود که من هم بعد از جلسه به ایشان عرض کردم این جمله شما برای من حیات بخش بود.

می آید، شبکه را راه می کند و دنبال کار دیگری می رود. نمایندگانی هم داریم که وقتی می خواهند وزیر را استیضاح کنند، اصلا از حوزه سلامت اطلاعی ندارند که بخواهند سؤال ببرند. ما کسانی را در رأس کارها داریم که فقط به بیمارستان سازی بها می دهند و سلامت را نمی شناسند در حالی که مطالعاتی که در اروپا یا استرالیا انجام شده، نشان داده که پزشکی پیشرفته به معنی ساختمان و تجهیزات نیست و اینها فقط ۴ درصد در کاهش مرگ و میر (به طور مشخص در مورد بیماری سل و یا مرگ کودکان زیر یک سال) تاثیر دارد.

منظورم این است که ساخت بیمارستان تاثیر شگرفی روی شاخص سلامت مردم ندارد بلکه باید دنبال مراقبت های اولیه سلامت یا همان شبکه بهداشت برویم که ما سال ها قبل در کشورمان راه اندازی کرده بودیم. گزارش های سازمان جهانی بهداشت نشان می دهد آمریکا که در شبکه سازی بهداشت از ما الگوبرداری کرد در سال ۲۰۰۸ حدود ۲۰ درصد تخت های بیمارستانی اش را تعطیل کرد. حالا ما چه می کنیم جز این که هرچه بیشتر بیمارستانی می سازیم به جای این که با ترویج سبک زندگی سالم کاری کنیم که این همه مریض دچار چاقی، پرفشاری خون، قلبی – عروقی و سرطانی، دیابتی و... نداشته باشیم. ما مسئولان به مردم طوری القا می کنیم که درمان اولویت دارد، چون درآمدمان در همین است پس اصلا سوراخ دعا را گم کرده ایم و سلامت را با بیمارستان سازی اشتباه گرفته ایم.

آقای دکتر دل تان خیلی پراست. پس شما اعتقاد دارید نظام مدیریتی ما درمان محور و سازه محور است.

بله همین طور است، چون ساخت وساز را از زمانی که کلنگ آن را می زنند تا روزی که رویان افتتاح آن پیچی می شود، می توان در تلویزون نشان داد اما اگر مثل آن اوایل یک خانه بهداشت در یک طولیه بسازید و آن را سفید کنید و با یک قاطر یک یخچال نفتی بیاورید که بتوانید واکسن در اختیار مردم بگذارید آیا می توان آن را در تلویزون نشان داد؟ یا اگر فهرست واکسن هایی را که مردم باید تزریق کنند افزایش دهیم آیا می توانیم روی این ماجرا آن طور که دل مان می خواهد مانور بدهیم و بگوییم من این کار را کردم؟ ما برخی نماینده های مجلس را داشتیم که یک دستگاه سی تی اسکن یا ام آر آی را دور شهر می جرخاندند تا به مردم نشان دهند که برای شان کاری کرده اند. پس معلوم است که در این شرایط، سلامت محور کار کردن طر فدار ندارد.

با توجه به نقدهای جدی که شما بر نظام سلامت کشور وارد می دانید به نظر شما سال آینده و سال های بعدتر باید چه اموری را در دستور کار قرار دهیم تا لاقبل بخشی از مشکلات حل شود؟

سال ۹۳ رهبر معظم انقلاب اسلامی سیاست های کلی را ابلاغ کردند و اولویت های آن در همه برنامه ها پنج ساله توسعه نیز آمده است. یکی از این اولویت ها گسترش شبکه بهداشت است که هنوز داریم بز دستاوردهای آن را می دهیم. اولویت بعدی جایگاه ویژه دادن به موضوع پیشگیری است. رهبر انقلاب هم تا به حال دو بار به دو وزیر فعلی و سابق موضوع لزوم توجه به پیشگیری و بهداشت را مورد تاکید قرار دادند. رئیس جمهور هم بعد از رهبری به موضوع توجه به شبکه بهداشت نیز اشاره کرده ولی با این حال آثار یک حرکت فراگیر که اولویت وزارت بهداشت باشد، دیده نمی شود یعنی طوری که آقای وزیر مرتب دراین باره صحبت کند. در کنار اینها تقویت آموزش پزشکی سربایی هم دارای اولویت است، چون به تربیت صحیح و جامعه نگر پزشکیانی منجر می شود که در عمل می توانند دردی از جامعه دوا کنند. آموزش همگانی از مقامات بالا و مسئولان گرفته تا مردم نیز نکته بسیار مهمی است که باید اجرا شود، چون به این ترتیب همگان اهمیت بهداشت، سلامت و پیشگیری را درک خواهند کرد.

به نظر شما طرح پزشک خانواده می تواند نجات بخش نظام سلامت ما باشد؟

این که بتواند یانه، به نظارت ما و مداومت در آموزش های بستگی دارد. در واقع همه چیز به آموزش به پزشک، گروه مراقبت سلامت و نظارت بر این امور وابسته است اما اگر در هر کدام از اینها اهمال کنیم، یعنی پزشک نداند که باید چه کار کند یا آموزش لازم را به او ندهیم یا وظایف محوله اش را هاکند و ما هم نظارت نکنیم پزشک خانواده یک پزشک درمانی می ماند اما اگر درست عمل کنیم قطعا به دستاوردهای خوبی می رسیم همان گونه که خیلی از کشورهای دنیا از طریق نظام ارجاع به نتایج مثبتی رسیده اند. البته یک شرط هم وجود دارد و آن استثنا قائل نشدن برای افراد مختلف است.

مثلا در انگلیس نخست وزیر هم در نوبت می ماند و هیچ حق ویژه ای در برخورداری از خدمات نظام ارجاع برای وی قائل نمی شوند اما در کشور ما خیلی از وزرا، نماینده ها و... باید بدون نوبت و حتی رایگان خدمات دریافت کنند. پس اگر همه قواعد بازی را رعایت کنیم، موفق می شویم ولی اگر استثنا ها از اصل قضیه بیشتر شود، طرح شکست خواهد خورد.



اگر یک بانو هستید و این جملات را می خوانید، لطفا روی تک تک کلمات آن دقت کنید. اگر یک آقای نیز هستید جملات را عمیقا بخوانید تا ملکه ذهن تان شود؛ «همه زمانی که در قلمروی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران حضور یا سکونت داشته باشند فارغ از قومیت، دین، مذهب و دیگر ویژگی های فردی و اجتماعی، در برابر هرگونه آسیب ناشی از سوء رفتار فرد دیگری که به بدن، روان، حیثیت، حقوق و آزادی های قانونی آنان وارد می شود، از تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و کفیری برخوردار می شوند.»

این جملات چیزی نیست جز بخشی از متن لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار که قبل تر از این به عنوان لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت شناخته می شد. سال ۱۴۰۱ و تلاش هایی که در پس و پیش پرده انجام شد بخت این ابران حمایت از بانوان را بعد از بیش از ۱۰ سال نیز باز کرد و حالا ۵۱ ماده قانونی در پنج فصل از زن و دختری که در قلمرو ایران به سر می برد، حمایت می کند.

شاید شما هم دوست داشته باشید یکی دیگر از مواد این لایحه را بخوانید و با خود زمزمه کنید و آن وقت حلاوتش را به جان تان بریزید؛ «هرکس از جمله ولی، وصی، قیم و سرپرست بدون رضایت زن، وی را به هر دلیل مانند حل فصل اختلافات از جمله خون بس مجبور به ازدواج یا دیگری کند یا به همین دلایل او را وادار به درخواست طلاق از مراجع قضایی کند یا این که بدون اطلاع زن، او را به عقد دیگری درآورد به حیسب یا جزای نقدی محکوم می شود. زوج نیز در صورت علم به وضعیت ازدواج با این لایحه دوران هرکی و بز و ظلم و غرور روداشتن به زنان فقط به دلیل زن بودن شان تمام خواهد شد که اگر سال ۱۴۰۱ فقط همین یک دستاورد را برای جامعه بانوان ایرانی داشت کافی بود، از بس که جای این قبیل حمایت ها خالی می نمود.

لطفا عفو کنید اگر جملاتی که در بی می آید صقیل و سنگین است؛ «به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست و یکم قانون اساسی همچنین برنامه ششم توسعه و سیاست های کلی برنامه پنج ساله هفتم مبنی بر «تحکیم نهاد خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان»، همه دستگاه های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری مکلف اند یک درصد از اعتبارات هزینه ای خود را در موضوعات مربوط به حوزه زنان از قبیل توانمندسازی زنان بی سرپرست، حمایت از فرزندآوری، مشاوره در حوزه خانواده، حمایت از زنان و دختران در معرض آسیب یا آسیب دیده، بهداشت، آموزش، ورزش و کارآفرینی زنان با هدایت معاونت ریاست جمهوری زنانی که توانمندشدن و مورد حمایت قرارگرفتن حق آنهاست، نگذرد. البته سال آینده این معاونت کارهای دیگری هم دارد که اهمیتش کمتر از مواردی که ذکر شد نیست. مثلا سال ۱۴۰۲ باید بازارچه هایی در عرصه بین المللی به صورت مجازی یا الکترونیکی ویژه زنان کارآفرین راه اندازی شود تا بانوان فعال و کارآفرین بتوانند محصولات خود را در بازار جهانی عرضه کنند که امیدواریم این اتفاق رخ دهد.

درست است که همه ما از خرد و کلان، روزهای قرمز تقویم را دوست می داریم و حس خوبی به آنها داریم اما تعطیلاتی که در زمستان امسال روی برگ تقویم، قرمز نبود ولی به ناچار قرمز شد، کتر همه را درآورد. اگر یادتان باشد روزهایی از آذر و دی ماهی که گذشت هوادر برخی نقاط کشور حسایی سرد شد، در بعضی جاها هم که این سرمای ک سرمای خشک و بدون بارش بود، باعث وارونگی هوا شد و یک لایه ضخیم از آلودگی مثل کلاهی روج روی سر برخی شهرهای بزرگ ایستاد. از آنجا که کودکان جزواقشار آسیب پذیر جامعه هستند و دیوار مدارس هم همیشه دیواری کوتاه بوده و هست، مدارس روزها و روزها مثل یک سریال خسته کننده تعطیل شدند و آموزش ها دوباره مجازی شد. کار به قدری بالا گرفت که دیگر حتی بچه ها هم نمی خواستند تعطیل باشند و دل شان می خواست به مدرسه بروند، از اولیا هم نگوییم که علاوه بر سختی درگیر شدن با درس بچه ها در خانه باید جوش هزینه های پرداخت شده و خدمات دریافت نکرده را هم می خوردند. درست در آن روزها بود که بحث اصلاح تقویم آموزشی بار دیگر مهم جلوه کرد چون اگر تقویم انعطاف داشت، بچه های شهرهای آلوده یا بچه زده از سرما، راحت تعطیل می شدند و در عوض وقتی اوضاع بسامان می شد به تعداد روزهای تعطیل به روزهای آموزشی شان افزوده می شد. به هر حال آنچه که امسال آلودگی و سرمای هوا به نظام آموزش و پرورش ما دیکته کرد، می تواند درس عبرتی برای سال های بعد باشد تا آن کلافگی ها و تلاکلفی ها دوباره تکرار نشود. متوالبان اجرای قانون هوای پاک هم که از سال ۱۴۰۲ بودجه در اختیار دارند، دیگر باید دنبال راهکارهای ریشه ای باشند نه راه های دم دستی مثل تعطیل کردن مهدهای کودک پیش دبستانی ها و مدارس.